



"ایمن سازی جمعی" قتل عام جمعی مردم است علیه سیاست "ایمن سازی جمعی" به مبارزه برخیزیم

روزانه صدها نفر از مردم ایران در اثر ابتلا به کرونا جان خود را از دست می‌دهند و هزاران تن دیگر به انواع مشکلات جسمی و روحی ناشی از این بیماری و یا گسترش آن دچار می‌گردند. با سیاست‌های حاکم بر دولت جمهوری اسلامی این خطر وجود دارد که در ماه‌های آینده تعداد قربانیان کرونا به شدت افزایش یابد. کارگران و زحمتکشان، جمهوری اسلامی را مسئول قتل عام مردم ایران و تمامی آسیب‌های جسمی و روانی حاصل از آن می‌دانند.

در روزهای گذشته (۹ مرداد) حتماً هیات مدیره مجمع انجمن‌های علمی گروه پزشکی "که متشکل از افراد وفادار به جمهوری اسلامی است و برخی از آن‌ها وزیر، معاون وزیر و یا نماینده مجلس اسلامی بوده‌اند، در نامه‌ای به حسن روحانی نوشته است: "اگر امروز روزانه ۲۰۰ مرگ و ۲۰۰۰ ابتلا ثبت می‌شود بر اساس برخی پیش‌بینی‌ها در صورت عدم رعایت جدی دستورالعمل‌ها در سه ماه آینده این آمار تا ۱۶۰۰ مرگ در روز هم افزایش خواهد یافت. خستگی نیروهای انسانی کادر پزشکی و به پایان رسیدن منابع سلامت در چنین شرایطی چشم اندازی بسیار تیره و تکان دهنده پیش چشم آشکار می‌کند".

باید در برابر قتل عام مردم ایستاد. نباید گذاشت جمهوری اسلامی، جمهوری جلاخان و فاسدان و دزدان این‌گونه کمر به قتل عام مردم ایران، کارگران و زحمتکشان ببندد.

کارگران، زحمتکشان، زنان و جوانان مبارز!

جمهوری اسلامی از همان روز اول در رابطه با شیوع کرونا به مردم دروغ گفت. این را امروز همگان می‌دانند. در حالی که ویروس کرونا از دی‌ماه به ایران وارد شده و اولین قربانی آن روز ۲ بهمن بود، رژیم حدود یک ماه بعد ورود کرونا به ایران را اعلام کرد و این در حالی بود که همان زمان حداقل در برخی از استان‌ها همچون قم، گیلان و تهران این ویروس شیوع پیدا کرده بود. اما حاکمان که مراسم دولتی ۲۲ بهمن و انتخابات نمایشی مجلس اسلامی را در پیش داشتند، از اعلام خبر شیوع کرونا در ایران خودداری کردند و بدین وسیله مردم را به قتل‌گاه فرستادند.

در ادامه نیز رژیم به جای آن‌که مانند دیگر دولت‌های جهان اقداماتی برای مهار و کنترل شیوع ویروس کرونا در پیش بگیرد، با بیان این‌که ویروس کرونا "حمله بیولوژیکی دشمنان است" (خامنه‌ای و حسین سلامی) و یا "توطئه دشمنان است که به بهانه کرونا کشور را به تعطیلی بکشند" (حسن روحانی) و یا "قرنطینه مربوط به قرون وسطا است" (ایرج حریری) به معنای کامل و واقعی کلمه هیچ اقدام جدی انجام نداد. محدودیت‌هایی هم که در برخی زمینه‌ها وضع گردید، موثر نبود و نمی‌توانست باشد. چرا که میلیون‌ها کارگر، میلیون‌ها انسان، میلیون‌ها سرپرست خانوار که بدون هیچ‌گونه حمایت معیشتی از سوی دولت رها شده بودند، برای تامین نان، همچنان مجبور به رفتن بر سر کار بودند و این‌گونه بود که زنجیره شیوع کرونا در ایران هرگز قطع نشد.

حکومت اسلامی از همان روز اول در مورد تعداد جان‌باختگان نیز به مردم دروغ گفت و سعی کرد تا نتایج فاجعه‌آمیز سیاست‌های خود را پنهان کند. در حالی که آمارهای رسمی تا امروز حاکی از جان‌باختن ۱۸ هزار نفر است، واقعیت اما این است که تعداد جان‌باختگان متأسفانه سه برابر آمارهای رسمی بوده و این موضوع حتماً از سوی رسانه‌هایی که در کلیت خواستار حفظ نظم موجود و ادامه حیات جمهوری اسلامی هستند، تایید شده است. در روزهای اخیر نیز و با نزدیک شدن ماه محرم، جمهوری اسلامی بار دیگر شروع به کاهش آمار جان‌باختگان و مبتلایان کرده است تا بتواند با بهتر نشان دادن شرایط، اهداف سیاسی خود را در رابطه با برنامه‌های عزاداری پیش ببرد.

کارگران، زحمتکشان، زنان و جوانان مبارز!

دولت جمهوری اسلامی اعلام قرنطینه نکرد، چرا که حاضر نبود و نیست برای جان مردم ریالی خرج کند. دولت دزدان و فاسدانی که سالانه صدها هزار میلیارد تومان را خرج جنگ‌های نیابتی و نیروهای نظامی و شبه نظامی خود در ایران و کشورهای منطقه و دستگاه مفت‌خور مذهبی و بوروکراسی خود می‌کند.

ضرورت قرنطینه برای قطع زنجیره شیوع کرونا آن‌قدر آشکار بوده و است که حتماً بسیاری از مقامات رده پایین جمهوری اسلامی بارها به آن اعتراف کرده‌اند. محبوب‌فر "عضو کمیته کشوری پیشگیری از کرونا" یکی از این افراد است که گفته است: "باید به اندازه دو دوره کمون بیماری که حدود یک ماه می‌شود، کل کشور تعطیل شود.... در مقابل دولت هم باید هزینه‌های زندگی مردم را برای این مدت پرداخت کند که اگر ادعا کند نمی‌تواند، اصلاً قابل قبول نیست" (روزنامه شهروند ۸ مرداد).

جمهوری اسلامی سیاست "ایمنی جمعی" را برگزیده است و هر قدر که مقامات وزارت بهداشت آن را تکذیب کنند، کسی باور نخواهد کرد. حسن روحانی آشکارا به این سیاست اعتراف کرد وقتی که به دروغ مدعی شد ۲۵ میلیون ایرانی مبتلا به ویروس کرونا شده‌اند و اگر ۳۰ تا ۳۵ میلیون نفر دیگر مبتلا شوند مشکل کرونا حل می‌شود.

جدا از اعتراف روحانی، مساله اصلی این است که جمهوری اسلامی در عمل سیاست "ایمن‌سازی جمعی" را در پیش گرفته است و هیچ چیز بالاتر از عمل، اهداف اصلی رژیم را آشکار نمی‌کند. سیاست "ایمنی جمعی" یک سیاست "تبهکارانه" معمولی نیست، "ایمنی جمعی" اسم رمز "قتل جمعی"، قتل عام مردم ایران، قتل عام کارگران و زحمتکشان است که قربانیان اصلی این سیاست هستند.

کارگران، زحمتکشان، زنان و جوانان مبارز!

همه شواهد نشان از آن دارد که جمهوری اسلامی این سیاست جنایتکارانه و قتل عام مردم ایران با ویروس کرونا، یعنی "ایمن‌سازی جمعی" را همچنان دنبال خواهد کرد و بدنبال تغییری در این سیاست نیست. نتیجه این سیاست اما قربانی شدن هر چه بیشتر کارگران و زحمتکشان جامعه است، بویژه آن‌که براساس پیش‌بینی‌ها و حتا اعتراف مقامات وزارت بهداشت، در پاییز و زمستان وضعیت فاجعه‌بارتر خواهد شد. تداوم سیاست جنایتکارانه "ایمن‌سازی جمعی" در حالی‌ست که در اثر این سیاست که از بهمن‌ماه نتایج فاجعه‌بار آن بر جامعه سایه ترس و وحشت افکنده است، سیستم درمانی کشور نیز از کار افتاده و فلج شده است. به‌گفته حریرچی معاون وزیر بهداشت برای ۸۴ میلیون جمعیت ایران ۱۲۰ هزار تخت بیمارستانی وجود دارد که در حال حاضر تمامی تخت‌ها پر هستند!!!

به گفته مقامات دولتی شش هزار نفر و به گفته "دبیرکل خانه پرستار" بیش از ۹ هزار نفر از کادر درمان به ویروس کرونا آلوده شده و از چرخه کار خارج شده‌اند، در این میان صدها تن نیز جان خود را از دست داده‌اند. واقعیت اما بسیار بدتر از آن است. مشکل اساسی سیستم درمان این است که به دلیل اتخاذ سیاست خصوصی‌سازی و عدم سرمایه‌گذاری دولت در بهداشت و درمان، در همه زمینه‌ها حتا پیش از شیوع ویروس کرونا، سیستم درمانی با کمبود شدید روبرو بوده است. برای نمونه مطابق استانداردهای جهانی سیستم درمانی کشور با کمبود ۳۰۰ هزار پرستار روبرو است.

کارگران، زحمتکشان، زنان و جوانان مبارز!

چه باید کرد؟! یا باید در برابر سیاست جنایتکارانه و قتل عام توده‌ها ساکت ماند و به قتل عام خاموش مردم تن داد یا باید علیه این سیاست به مبارزه برخاست. راه دیگری وجود ندارد.

نباید اجازه داد تا جمهوری اسلامی که حکومتی ارتجاعی و قرون وسطایی‌ست با برگزاری مراسم‌های مذهبی که ریشه و تضمین ادامه حیات خود را در آن‌ها می‌بیند و با آن‌ها قدرت‌نمایی می‌کند، مردم را به قتل‌گاه بفرستد. برگزاری این مراسم‌ها در حالی که مراسم‌های شادی و عروسی ممنوع است، بیان‌گر اهمیت مراسم‌های مذهبی و گریه و زاری برای حکومت اسلامی است. همان‌طور که در جریان مراسم ۲۲ بهمن به‌گونه دیگری شاهد آن بودیم.

باید به مبارزه با سیاست "ایمن‌سازی جمعی" برخاست و این مبارزه چیزی نخواهد بود جز مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی. چرا که جمهوری اسلامی از این سیاست دست برنخواهد داشت. چرا که این سیاست ادامه، همخوان و در راستای سیاست‌هایی‌ست که این رژیم جنایتکار در طول تمام این سال‌ها علیه توده‌ها اتخاذ کرده است.

مرگ بر رژیم که آگاهانه توده‌ها را به "قتل" می‌رساند، رژیمی که دست‌انداختن تا مرفق به خون مردم آلوده است. مرگ بر این جمهوری جنایتکار. مرگ بر نظام سرمایه‌داری که برای جان توده‌ها ارزشی قائل نیست.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد حکومت شورایی

زنده باد آزادی – زنده باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان اقلیت

مرداد ۱۳۹۹

کار، نان، آزادی – حکومت شورایی